

انقلاب خمینی و انقلاب حسینی

"انقلاب خمینی و انقلاب حسینی" عنوان کتابی است که اینجانب آنرا در تاریخ 27 دسامبر 2001 میلادی به پایان رسانیده ام. این کتاب بنا به ماهیت خود در ایران قابل چاپ نیست و در خارج نیز باید توسط ناشری دلیر (که قبلاً چنین کتابهایی را منتشر ساخته است) منتشر گردد. اینجا نب نیز بهمین دلیل آنرا با نام مستعار به چاپ خواهیم رسانید.

از شما چه پنهان، این بنده ی غریب آه در بساط ندارد و تازه در این عالم در بدری نوشتن همین مقدار هم، کلی مرا از کار کردن باز داشته و عیال و اولاد را گرسنگی داده است. از این لحاظ دست یاری بسوی همه ی هموطنان خارج از کشور دراز می کنم که اگر ناشرید این کتاب را بدون آنکه چیزی بخواهید و یا چیزی بدهید منتشر سازید و اگر ناشر نیستید و جایی دست دارید دست این چاکر را هم بگیرید که اجر معنوی دارد. تصور می کنم که اگر این نوشته بصورت کتاب در بیاید و خوب رویش تبلیغ شود، خرج و ورج خودش که در می آورد هیچ، صنار سه شاهی هم ته اش برای ناشر یا سرمایه گذار بماند بنظر چاکر اگر کسی با عث و بانی این کار خیر بشود، هم چهار قران را در می آورد و هم روی خمینی و جمهوری اسلامی اش را ماست مالی می کند.

خواهش می کنم خلاصه ی کتاب را که ضمیمه است بخوانید. تصور می کنم پس از خواندن آن باین بنده ی بی برگ و نوا هم عقیده خواهید شد که حیف است این دست نوشته بماند و خاک بخورد و بعد هم کهنه شود. بقول معروف تا تئور داغ است باید نان را چسباند.

این کتاب، که احتمالاً به دویست صفحه ی چاپی خواهد رسید، با زبانی ساده و طنز گونه در بیست و یک فصل نوشته شده است (عنوان فصول مختلف کتاب ضمیمه است). در این نوشته من تصویری آرمانی (نوعی مدینه ی فاضله) را ارائه داده ام تا بدینوسیله نا بهنگامی و پستی شرایط موجود را نشان داده باشم. همچنین تلاش کرده ام که با شوخی و کنایه نشان دهم که بسیاری از اعمال و رفتارهایی که امروز در جامعه ی ایران از لحاظ شرعی (و همچنین عرفی) گناه کبیره و جنایت نابخشودن تلقی می شوند، عین صواب اند.

امید من آن است که همه ی کسانی که خواستار بنا نهادن یک جامعه ی انسانی و عرفی (لائیک) در ایرانند از این نوشته (که اتمام آن دوسالی بیشترک بطول انجامیده است) بهره گیرند. این کتاب همچنین با یک دید جهانی برشته ی تحریر در آمده است و طی آن متشابهاً پوچی و مسخرگی بسیاری از ارزش های دولت های جهان به نمایش گذاشته شده است.

در این نوشته (بخصوص در بخش های پایانی آن) تلاش ورزیده ام که گره عقب افتادگی و فلاکت های همه جانبه ی جامعه ایران را پیدا کنم. امیدوارم که این تلاش بتواند به یک گفتگوی همگانی دامن زند و چراغ راه آیند شود.

"انقلاب خمینی و انقلاب حسینی" بدو از نورشتصاد رنگی سخن می گوید که بناگاه در جامعه ی ایران پدیدار می شود و ازجائی به جای دیگر نقل مکان می کند. این نور طلوعه ی یک زندگی زیبا و درخشان را برای ایرانیان نوید می دهد زیرا از زمان پدیدارشدنش همه چیز در جهت مثبت در حال دگرگون شدن است بنحوی که گرگ و میش بر سریک چشمه آب می نوشند. همانقدر که هیئت حاکمه ی ایران از پدیدار شدن این نور در هراس است، مردم با شور و شوق در پی یافتن

منبع آنند. مردم هیجان زده سرانجام، شبی از شب ها، نور را بر فراز خانه ای در "ریز" (زرین شهر) اصفهان پیدا می کنند و تا صبح در انتظار منبع نور جلو خانه بیتوته می کنند. سپیده دمان مردی بنام "حسین هندل" که در سرتاسر اصفهان به فسق و فجور معروف است از خانه بیرون می آید. جمعیت با توجه به پیش داوری اش نسبت به وی نومیدانه پراکنده می شود غافل از اینکه منبع نور حسین بن علی (امام سوم شیعیان) دوش به دوش حسین هندل در حرکت است. آن شب حسین بن علی مهمان حسین هندل که او را جزو داناترین و دادگر ترین انسانهای ایرانی یافته بوده است.

هر دو حسین با یک جیب کاروانی لندرو در سفری دور و دراز و گشت و گذاری همه جانبه را به اطراف و اکناف ایران آغاز می کنند. ماجرای ریز مثل بمب در ایران می پیچد. چهل و هشت ساعت پس از ناپدید شدن دو حسین یک هیئت نه نفره از نمایندگان مردم وارد خانه می شوند و سندی را می یابند که رد حسین بن علی را بدست آنان می دهد. از آن پس قاطبه ی مردم ایران در بدر بدنبال حسین می گردند عاقبت اورادر زوز در لباس کاپیتان تیم فوتبال آذربایجان می بینند و باز هم نمی شناسند. سرو کله ی این کاپیتان در مرحله ی حساسی که بازی نزدیک است به خونریزی منجر شود پیدا می شود و او همه را آشتی می دهد. جمعیت زمانی به هویت کاپیتان پی می برد که هر دو حسین استادیوم را ترک گفته اند.

واقعه زوز چنان جامعه ی ایران را از خواب قرون و اعصار بیدار می کند که ادامه آن به ایجاد و تشکل نهضت متحد حسینی، برهبری رئیس جمهور سید محمد خاتمی، در سرتاسر جامعه ایران می انجامد. رشد نهضت باعث می شود که "مقام معظم رهبری ... واعوان و انصار رنگارنگ شان مثل آب بزمین فرو روند." روابط تازه ای شکل می گیرد: افراد و نهادهای خارج از کشور به مام وطن باز می گردند. دکتر بنی صدر، اعلیحضرت رضا شاه دوم، مجاهدین خلق ایران، حزب توده، گروه ها و نهادهای چپ و جبهه ی ملی به نهضت می پیوندند. لیکن حزب کمونیست کارگری و باهماد آزادگان شادروان کسروی به عنوان مخلفین رسمی نهضت قد علم می کنند. در این زمان ملت ایران نام حسین هندل را هم به یاور تغییر می دهد.

هر دو حسین کماکان به گشت و گذار خود در جامعه ی ایران ادامه می دهند، لیکن خود را به مردم نمی نمایانند. مردم که طاقت شان طاق شده از سرتاسر کشور نمایندگانی انتخاب می کنند تا در نهادی بنام "مجلس دیدار" گرد هم آیند و راهی برای دیدار حسین با مردم بیابند. مجلس دیدار در حالی که می رود نومیدانه بکار خود خاتمه دهد، بطور اتفاقی یاور را در بین خود می یابد. نمایندگان به عنوان تبرک همه ی لباس های او را تکه تکه می کنند و او را لخت و عور بر جای می گذارند. یاور یک تنه با همه ی نمایندگان در می افتد و بارانی از فحش را بسوی همگان می فرستد. یک گیتاریست جوان مداخله می کند و صلح را برقرار می سازد. او سپس ضمن نواختن آهنگی زیبا همه را خواب می کند. نمایندگان زمانی که بیدار می شوند در می یابند که گیتاریست کسی جز حسین بن علی نبوده است.

نهضت متحد حسینی با الهام از حسین و یاورش به اقدامات بی سابقه ای از جمله حل مسئله مسکن، ترافیک و اعتیاد نایل می آید. با رهبری نهضت درختکاری و جنگل سازی در سرتاسر ایران آغاز می شود.

نخستین بار که حسین و یاورش مستقیماً در بین مردم ظاهر می شوند، در ماجرای قم است: در صحن حضرت معصومه، جمعیتی خشمگین جوانی سیاه مست را به نرده ها بسته اند. یک دادگاه مردمی رای داده است که جوان باید به جرم مستی، کفر گوئی و دشنام به میهمان مقدس مردم ایران حسین توسط جمعیت اعدام شود. لحظه ای که جمعیت می رود حکم را اجرا کند، حسین و یاور در برابر مردم ظاهر می شوند و جوان را نجات می دهند. حسین با فرستادن یک پست الکترونیکی (ای میل) به پدرش (ساقی کوثر) در بهشت از او شراب طلب می کند. شراب ها در یک لحظه می رسند. جمعیت چنان سرگرم دریافت شراب می شود که خروج حسین و یاورش را متوجه نمی شود. از آن پس مغازه های مشروب فروشی در اقصی نقاط ایران باز می شوند و شراب مخصوص مرتضی علی عرضه می کنند: "مردم غم زده ی ایران... آشکارا جام ها را به سلامتی یکدیگر برهم زدند و شادمانه نغمه ی امید سردادند."

در این مرحله از انقلاب، بنا به درخواست یاور و دخالت مستقیم حسین، بانوان بهشتی دعوت دیدار از ایران را می پذیرند. قبل از این دیدار وجدان خفته ی جامعه در رابطه با ستم تاریخی علیه زنان بیدار می شود، حجاب به عنوان مرده ریگ گذشته منسوخ می گردد و طی یک سلسله قوانین مترقی زنان ایران "حقوق انکار شده و از دست رفته" شان را بدست می آورند. با این پیش زمینه است که بانوان بهشتی (فاطمه، زینب، شهربانو و سکینه)، که خود از هر گونه حجاب بری اند، به ایران می آیند و میهمان شاعر محبوب مردمی سیمین بهبهانی می شوند. بانوان بهشتی پس از سرزدن به همه ی محافل و مجالس اعلام می دارند که با توجه به درجه ی بالای آگاهی زنان ایران و رشد همه جانبه ی جنبش آنان نیازی به حضور خود در این جامعه نمی بینند. با این گفته همگی بال در می آورند و به آسمان پرواز می کنند.

انقلاب حسینی علیرغم پشتیبانی همه جانبه ی مردم از آن، بدون معضل نیز نیست. در برهه ای از تحول انقلاب هم جنس گرایان به تظاهرات وسیعی دست می زنند و در برابر خود تظاهرات وسیع تری از مخالفین هم جنس گرائی می بینند که مسلحانه به جنگ آنان آمده اند. زمانی که برخورد بصورت اجتناب ناپذیر در می آید و قتل عام در شرف وقوع است، حسین و یاورش دخالت می کنند و یاور با شناخت دقیق خود از جامعه ضمن مدد جستن از درایت بیش از حد خود از خونریزی جلوگیری بعمل می آورد. حقوق انسانی هم جنس گرایان طی یک سند هشت ماده ای برسمیت شناخته می شود.

طولانی ترین و به عقیده ی اینجا نب خواندنی و پر هیجان ترین بخش کتاب "عاشورای حسینی" است: مردم حق شناس ایران با نزدیک شدن ماه محرم، ضمن یک سازماندهی سراسری، مراسم عاشورا را "باشکوه و جلالی صد ها برابر بالاتر از سالهای گذشته" در "دشت بی کرانه ی ابرقو" برگزار کردند به امید اینکه حسین خود نیز در این مراسم حاضر شود و چنین نیز شد. در مراسم عاشورای حسینی، حسین و یاورش ضمن بحث و جدلی مشکل با جمعیت در نفی فرهنگ ماتم، با هزار و یک ترفند، موفق می شوند، با توجه به اینکه حسین زنده در نزد آنهاست، مراسم عزاداری را به رقص و پای کوبی بدل سازند.

با پایان یافتن رقص حسین فرصت را غنیمت می شمارد و پایان شهادت را اعلام می دارد و به همگان ثابت می کند که بیخود بخاطر امامزاده های جوراجوری که در ایران مثل قارچ از زمین روئیده اند بر سر و سینه می کوبند. به تشویق حسین و یاورش جمعیت می پذیرد که کلمه ی

"سید" را از قاموس جامعه حذف کند. در اینجا "ابر تیره ای تمام آسمان دشت ابرقو را فرا می گیرد و روز روشن را به شب تاریک مبدل می سازد. در لحظه ای که به سبب طوفان همه از زندگی دل بریده اند، آسمان آفتابی می شود و نور شتصاد رنگی که مدتها ست از دور سر حسین رفته پدیدار می شود. این خود ترفندی است از یاور که مردم را برای قبول یکی از انقلابی ترین پیشنهادات حسین آماده سازد. حسین، در حالی که هاله ای از نور شتصاد رنگ را دور سر خود دارد، "بر فراز بلندترین صخره های آن دشت بی کرانه" می ایستد و رو به جمعیت اعلام می دارد:

- "در این بهترین لحظات زندگی ام، خوشوقتم که پایان شیعه را به جهانیان اعلام دارم." با خاتمه اعلام شدن شیعه از طرف یکی از بنیان گذاران نخستین آن، "منشور ابرقو" به تصویب جمعیت می رسد. در این منشور قوانین شریعت منسوخ و موازین حقوق بشر جای گزین آن شده است.

بدنبال اختتام شیعه، جناب آقای خاتمی که هویت خود را بر باد رفته می بیند استعفا می دهد. لیکن باهماد آزادگان به نهضت حسینی می پیوندند و بدنبال آن زرتشتیان، "آسوری ها، ارمنه، کلیمیان و بهائیان ایرانی با حفظ هویت مستقل خویش به نهضت حسینی پیوستند." لیکن حزب کمونیست کارگری ایران کماکان بعنوان نیروی مخالف در برابر نهضت باقی ماند. نسل جوان امامزاده ها را تصرف کرد، قبرها را شکافت و در آنها هیچ نیا فت. بزودی اماکن متبرکه بصورت اماکن متفرقه در آمدند. مردم با بیل و کلنگ ریختند که قبر خمینی را خراب کنند، لیکن حسین و یاورش جلو آنها را گرفتند. قبر خمینی به موزه ی فسیل شناسی تبدیل شد.

هم اکنون که بسیاری از سنت های مزاحم از سر راه برداشته شده است، نمایندگان بلافصل انقلاب در کنگره ی بزرگ گنگاور اجتماع کردند. آنان در مورد زیر بنا و امکانات اقتصادی جامعه و نهادهای اقتصادی که باید بر آنها حاکم گردد به رای زنی نشستند. حسین و یاورش با شرکت در این کنگره همگان را الهام بخشیدند.

پس از کنگره گنگاور، برنامه ریزی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همه جانبه ای در جامعه آغاز شد که بر "تحلیل اقتصادی تاریخ و تفسیر تاریخی اقتصاد" تکیه داشت.

با سروسامان پذیرفتن اقتصاد، منشور تاریخی دشت کویر به تصویب رسید که دنیا را تکان داد. ارتش با یک مانور بی سابقه در دشت کویر تحسین جهانیان را بر می انگیزاند، لیکن در همان روز انجام مانور منحل می شود. ایران بطور یکجانبه خلع سلاح عمومی را اعلام می کند. افراد نیروهای سه گانه به مشاغل تولیدی گمارده می شوند و سلاح ها و مهمات ارتش یا به ماشین آلات تولیدی تبدیل می شوند و یا نابود می گردند. دنیا از سرمشق ایران پیروی می کند. مردم دنیا برای انحلال ارتش به دولت های خود فشار می آورند.

بدنبال انحلال ارتش، نهادهای جاسوسی و ضد جاسوسی نیز به وادی فنا می سپرند. نه تنها اعدام بلکه مجازات زندان نیز در ایران لغو می شود. در این گیرودار صدام حسین بسته شدن راه کربلا را بهانه و به ایران حمله می کند. افراد ارتش تازه تاسیس آبادانی ایران به صوابدید هردو حسین با گل به استقبال سربازان عراقی می روند و برای مردم رنج دیده ی عراق پیام صلح و

همبستگی می فرستند. سربازان عراقی عقب نشینی و صدام حسین از ترس مردم خود از ایران عذر خواهی می کند.

صرفه جوئی بودجه نظامی همراه با رشد موزون تکنولوژی و افزایش باز دهی کار باعث می شود که انقلاب حسینی "ساعات کار روزانه را به شش ساعت در روز و تعداد روزهای کار را به چهار روز در هفته تقلیل دهد." در این شرایط درگیری مردم در کارهای داوطلبانه فزونی می پذیرد و هنر و ادبیات را شکوفا می سازد. هم اکنون یک معضل باقی مانده و آن خود مختاری خلق های ایران است که آنهم توسط "کنگره همبستگی خلق های ایرانی" که در میانه تشکیل می شود، حل می گردد. خلق ها و ملیت های ایرانی از هر لحاظ حقوق برابر پیدا می کنند. ضمن آنکه هر ملیت زبان بومی خود را حفظ می کند، یک زبان مشترک بین المللی برای ارتباط گیری ملیت های ایرانی تعیین می گردد. در این برهه "تنها نیروی مخالف باقی مانده - حزب کمونیست کارگری ایران - انحلال خود را اعلام" می دارد و تلاش حسین و یاورش برای ملاقات با رهبر حزب و انصراف وی از این کار بجایی نمی رسد.

بدنبال حل مسئله ی ملی، انقلاب حسینی یک سیاست فعال خارجی در پیش می گیرد. در روز جشن استقلال آمریکا، شعار "مرگ بر آمریکا" در ایران به شعار "زنده باد آمریکا" تبدیل می شود. تاثیر انقلاب حسینی بر جامعه ی آمریکا بجائی می رسد که مردم این کشور برای اولین بار در تاریخ خود یک کارگر زن سیاه پوست را به عنوان رئیس جمهور خود انتخاب می کنند. مشکل اعراب و اسرائیل نیز با تلاش ایران با ایجاد یک دولت فدرال از اعراب و یهودیان حل می گردد. انقلاب حسینی رهائی بشریت را در سرلوحه ی خود قرار می دهد. توده های میلیونی جهان به حسین و یاورش پیام می فرستند که رهبری انقلاب آنان را نیز در دست بگیرند. لیکن آنان طی یک مصاحبه ی مطبوعاتی اعلام می دارند که:

- "انقلاب ما بر مبنای عدم خشونت قرار دارد... رهبری ایران صرفاً یک رهبری اخلاقی است."

با این دید است که انقلاب حسینی بجای صدور قهر آمیز خود به دیگر کشورها، بر همکاری و همیاری بین المللی و از بین رفتن گام به گام مرزها تا کید می کند. افسوس که با وجودی که همه چیز بظاهر بر وفق مراد است انقلاب تضادهای مخرب خود را نیز در دل خود پرورانیده است. در همان حال که عده ای شب و روز برای پیشبرد انقلاب حسینی کار می کنند، بخش بزرگی از مردم بتدریج راه تنبلی و تمایل به زندگی مصرفی و تجملی را در پیش می گیرند. عده ای نیز مال اندوزی را پیشه می سازند. شعور فرهنگی و فلسفی مردم از تحولات سریع اقتصادی عقب می افتد. شهید سازی و عزاداری و امامزاده پرستی از گوشه و کنار کشور سر بلند می کند.

این شرایط زنگ خطر را برای حسین و یاورش به صدا در می آورد. آنان در یک نشست خصوصی به این نتیجه می رسند که انقلاب ایران باید توسط یک انقلاب مسالمت آمیز و اخلاقی جهانی تغذیه شود وگرنه راه زوال را خواهد پیمود. ضمناً هر دو حسین عزم را جزم می کنند که در اولین فرصت خود را از صحنه کنار بکشند و سرنوشت انقلاب را بدست خود مردم بسپارند.

با دید بالاست که ایران "میثاق جهانی حق آزادی مهاجرت" را به سازمان ملل متحد پیشنهاد می کند. مجمع عمومی ملل متحد جلسه ی اضطراری تشکیل می دهد و حضور یکی از دو حسین را طلب می کند. یاور از حسین می خواهد که برای شرکت در این جلسه به نیویورک سفر کند،

لیکن نیروهائی مرموز تظاهرات وسیعی در جامعه ی ایران براه می اندازند. دسته های سینه زن دو باره براه می افتند، و با ترسانیدن مردم از توطئه های امپریالیستی علیه جان حسین، خواستار ماندن او در ایران می شوند. سرانجام بجای حسین یاور به سفر می رود که این جدائی به شهادت حسین در خاک ایران، نا پدید شدن یاور و شکست انقلاب منجر می گردد.

فهرست فصول کتاب

- فصل اول - معمای نور شصتاد رنگ
- فصل دوم - در تلاش گشودن چیستان
- فصل سوم - رویداد زنوز
- فصل چهارم - یک جدل دوستانه
- فصل پنجم - نهضت متحد حسینی
- فصل ششم - در مجلس دیدار
- فصل هفتم - حل مسئله ی اعتیاد و مشکل ترافیک
- فصل هشتم - شراب مرتضی علی
- فصل نهم - بانوان بهشتی
- فصل دهم - برخورد با هم جنس گرایان
- فصل یازدهم - عاشورای حسینی
- فصل دوازدهم - اماکن متفرقه
- فصل سیزدهم - کنگره ی کنگاور
- فصل چهاردهم - اصلاحات اقتصادی و اجتماعی
- فصل پانزدهم - میثاق دشت کویر
- فصل شانزدهم - نبرد گل و تفنگ
- فصل هفدهم - وحدت در عین کثرت
- فصل هیجدهم - رؤیای نظامی
- فصل نوزدهم - بسوی یک حرکت جهانی
- فصل بیستم - ایران و میثاق جهانی حق آزادی مهاجرت
- فصل بیست و یکم - گل‌های خاردار